



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۸/۲۱

محمد داؤد مومند

## پیامبر ناسیونالیزم آسایي، دوکتور عبدالرحيم احمد سوکارنو

قرن بیستم گهواره راد مردان و مبارزان بزرگ راه ضد استعمار و شخصیت های ارجمند و عالی مقامی بود که برای آزادی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور های خویش، حیات خود ها را وقف نمودند. درین ردیف میتوان طور مثال از نام های یک عده رجال بزرگ که در عرصه ها و قرون گذشته، نظیر آن کمتر ملاحظه میگردید، نام برد: مهاتما گاندی، خان عبدالغفار خان، پندت جواهر لعل نهرو، غازی امان الله، اتاتورک، غازی محمد نادر خان، رضا شاه پدر، داکتر سوکارنو، مارشال تیتو، داکتر مصدق، انکروما، لوممبا، سکوتوری، ناصر، داکتر سالوادر آنده که شعارش بود: « این ملت هاست که تاریخ میسازند » یاسر عرفات و دیگران.

داکتر سوکارنو درین ردیف یکی از ناسیونالیست ها و مبارزان بزرگ ضد استعمار تاریخ معاصر جهان است، که شعار معروف وی مشعر است: « اروپایی ها باید در آسیا حمالی کنند، نه آقایی ». داکتر سوکارنو میگفت: تا زمانیکه قدرت های بزرگ اقتصادی و نظامی در جهان سرنوشت ملتها را در دست دارند، داشتن بیطرفی و آقعی، عملاً ممکن به نظر نمیرسد .

سوکارنو سمبل آزادی و استقلال اندونیزیا و در حقیقت بنیان گذار نهضت عدم انسلاک در تاریخ معاصر جهان است . موصوف به همکاری محمد حتا و غیره شخصیت های آزادیخواه و استقلال طلب اندونیزیا موفق گردید، اندونیزیا را از نفوذ مداخلات و تسلط کشور های هالیند، جاپان و برتانیه نجات دهد . سوکارنو در راه مبارزه آزادی، سال ها محبوس گردیده و چندین بار در داخل و خارج کشور مانند آسترالیا، تبعید گردید .

سوکارنو در سال 1945 بحیث نخستین رئیس جمهور اندونیزیا منتخب گردید . سوکارنو پرنسیپ های تفکر و دکتورین خود را بحیث خطوط اساسی و زیربنای دولت جدید التأسیس قرار ذیل اعلام داشت :

یک- ناسیونالیزم .

دو- انتر ناسیونالیزم .

سه- دیمکراسی .

چهار- عدالت اجتماعی .

پنج- اسلام .

در ابتدا، اتکاء به شریعت یکی از اساسات قانون اساسی مذکور شمرده میشد، ولی بعداً، در نتیجه تلاش های ممتد همکار بزرگش محمد حتا، آنهم بمنظور صیانت حقوق اقلیتهای مذهبی و اصل اتحاد ملی متکی بر اصل ناسیونالیزم و اتحاد ملی، از قانون اساسی حذف گردید .

سوکارنو متکی بر مفکوره پارلما نتاریزم غربی، نظام پارلمانی را برای کشور خود گزید، ولی سیستم دیمکراسی پالمانی با در نظر داشت تفاوت های ساختمان اجتماعی، منطقی، کلتوری و غیره مانند سایر کشور های شرقی به استثناء هندوستان نتایج ثمر بخشی ببار نیاورده موجب بروز اختلافات مزید گردید .

لذا داکتر سوکارنو سیستم پارلمانی را به سیستم جدیدی تحت نام « دیمکراسی رهبری شده » و تمرکز قدرت در دست رئیس جمهور، تغییر داده، نظام پالمانی به نظام ریاستی تغییر ماهیت داد .

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

سوکارنو هم چنان در سال 1957 تمام کمپنی های هالیندی را ملی ساخت .

یکی از مهمترین ابتکارات سوکارنو در ساحه سیاست جهانی، تشکیل کانفرانس باندونگ بود، این نخستین کانفرانس کشور های رو به انکشاف کشور های استقلال یافته آسیایی، افریقای و محتملاً امریکای لاتین بود .

این کانفرانس در حقیقت بنیان گذار هسته نهضت عدم انسلاک شمرده میشود که بعداً اولین کانفرانس آن در یوگوسلاویا تحت زعامت مارشال تیتو که با یک معجزه سیاسی کشور خود را از تحت نفوذ دولت بلشویک اتحاد شوروی، در امان نگه داشت دایر گردید .

ناگفته نماند که مقارن تشکیل کانفرانس باندونگ، حلقه های سیاسی غرب بخصوص اضلاع متحده، چنین وانمود ساختند، که کانفرانس باندونگ را ما به، یک دعوت چای، تغییر ماهیت خواهیم داد .

بزرگترین رهبران نهضت عدم انسلاک عبارت بودند از مارشال تیتو، داکتر سوکارنو، جواهر لعل نهرو و انکروما، رهبر کشور گانا .

البته در مرتبه پائینتر و الاحضرت سردار صاحب داؤد خان نیز یکی از چهره های سرشناس این نهضت به شمار میرفت .

اعتراض سردار صاحب داؤد خان علیه شمول دولت کاسترو، در حلقه نهضت عدم انسلاک یک حرکت قابل توجیه و توجه شمرده میشود .

به ارتباط اولین کانفرانس کشور های غیر منسلک در بلگراد، عاری از دلچسپی نخواهد بود که مطالبی را از نوشته سیاست مدار، مؤرخ، شخصیت ملی و نویسنده نامدار کشور، سید قاسم رشتیا که خود عضو معیتی هیئت افغانستان در کانفرانس بلگراد بود، نقل قول نمایم، جناب رشتیا مینویسند :

سوکارنو رهبر اندونیزیا مجلس را مخاطب قرار داده گفت که اگرچه فیصله شده که به موضوعات انفرادی کشور ها در اعلامیه کانفرانس اشاره نشود اما نظر به اهمیت خاصی که درین موضوع « ایرین غربی » « ایرین غربی » موضوع متنازع فیه میان اندونیزیا و مالیزیا بود، که اندونیزیا دعوی مالکیت آن را داشت، و سر انجام دولت داکتر سوکارنو به قوت نظامی آن را متصرف شد و معضله به پایان رسید-مومند» دارد مجلس اجازه بدهد تا یکی دو جمله در باره آن در اعلامیه گنجانیده شود. البته سوکارنو یک عده سران کشور های درجه اول را قبلاً قانع ساخته بود تا به این پیشنهاد موقع داده شود اما حس میشد که اکثریت اعضاء مجلس از آن بی خبر بودند چنانکه فوراً دست ها بالا شد .

سردار محمد داود خان بلا فاصله مکروفون را بطرف خود کش کرده و به آواز بلند و لحن پر از هیجانی گفتند که اگر فیصله سابق شکستنده میشود در آن صورت مسئله پشتونستان که سر نوشت هشت ملیون انسان به آن بستگی دارد باید بر هر موضوع دیگر حق تقدم داده شود، من به هیچصورت همچو استثناء را قبول کرده نمیتوانم .

این گفتار جدی سردار محمد داود خان ولو که از نورم عادی همچو کانفرانس ها خارج بود مثل بمبی در مجلس انعکاس نمود و اکثر سران هیئت ها با هم به سرگوشی پرداختند .

خواجه پوپوویچ وزیر خارجه یوگوسلاویا که عقب مارشال تیتو نشسته بود از جا برخاسته و سر خود را به گوشم نزدیک ساخته گفت که مارشال تیتو از جناب صدراعظم خواهش مینماید که از ابراز نظر مزید خود داری نمایند. ما کوشش میکنیم که موضوع را مطابق خواهش شان حل نماییم، این را گفته بطرف دیگر تالار که سوکارنو و نهرو و انکروما در آن قسمت قرار داشتند حرکت کرد .

من پیغام تیتو را به سردار رسانیدم .

وزیر خارجه یوگوسلاویا با نهرو و انکروما سرگوشی کرد و بعداً آن دو نفر با سوکارنو به سرگوشی پرداختند و نتیجه این شد که پس از اندکی سوکارنو با صدای بلند و بدون عصبیت اما با لحن دراماتیک اعلان کرد که چون احساس میکند که عده ای از اعضاء کانفرانس با پیشنهاد او موافقه ندارند بنابراین پیشنهاد خود را پس میگردد .

که این اعلان سوکارنو، با چک چک های ممتد بدرقه شد .

اما سردار داؤد خان همانطور عصبی بود و دم به دم سگرت میکشید .

مجلس تا ساعت سه صبح ادامه یافت و وقتی که اعلامیه نهایی امضا شد مجلس منحل و نمایندگان تالار را ترک کردند .

سوکارنو میخواست با سردار داؤد خان به اصطلاح آشتی کند اما همینکه سوکارنو به سردار نزدیک شد سردار دفعتاً خود را به یکطرف کشید و با این حرکت سردار، من به عوض شان روبروی سوکارنو قرار گرفتم .

سوکارنو با خنده گفت معلوم میشود صدراعظم بالای من بسیار قهر است که حتی از مصافحه هم خود داری میورزد... ختم خاطره شاعلی رشتیا .

طوریکه در مضمون چند روز قبل خود در مورد شهید میوندوال تذکر دادم داکتر سوکارنو یکی از خطیبان و سخن وران بزرگ جهان شمرده میشود، چنانکه روی همین قدرت جبلی او، سوکارنو را خطاب « شیر منبر یا ببر میز خطابه » داده بودند .

سوکارنو به زبان های انگریزی، عربی، هالیندی، فرانسوی و جاپانی تسلط داشت .

زمانیکه سوکارنو در کانگرس اضلاع متحده امریکا بیانیه خود را ایراد نمود، یکی از سناتوران سابقه دار کانگرس اعتراف نمود که: « این مهیج ترین بیانیه بود که در طول بیست سال گذشته در این تالار شنیده ام ». همچو ادعای یک سناتور سابق دار کانگرس اضلاع متحده که ممکن قبل بر نطق سوکارنو بیانیه های زیادی از سران کشور های مختلف جهان را شنیده باشد، دلیل روشن قدرت بزرگ سوکارنو در فن خطابه شمرده میشود. با در نظر داشت همچو وجاهت بزرگ جهانی مرحوم سوکارنو، کشور های چند در زمان حیاتش به احترام بزرگداشت شخصیت وی جاده ها و چهارسوق های را بنام داکتر سوکارنو مسماء ساختند، بطور مثال میتوان از مراکش، مصر و پشتونستان نام برد.

سوکارنو قبل از کانفرانس کشور های غیر منسلک در بلگراد، بنابر دعوت حکومت وقت، مسافرتی به افغانستان بعمل آورده، مطابق آرزومندی جناب شان پروگرامی در پارک شهرنو ترتیب گردید، تا صحبتی با همشیریان کابل داشته باشند.

این جانب در صنف هفتم لیسه حبیبیه بودم که برای استماع بیانیه داکتر سوکارنو به پارک شهرنو رفتم. ممکن در حدود یکنیم هزار نفر از همشیریان کابل در پارک شهرنو منتظر دیدن مهمان گرانقدر یک کشور مسلمان بودند.

داکتر سوکارنو به معیت والاحضرت سردار محمد داود خان بالای تراس یا تخت بام قهوه خانه پارک شهرنو که مشرف به طرف پارک بود ظاهر گردید. وظیفه ترجمانی را عبد الستار شالیزی به عهده داشت.

ابتدا محمد صدیق خان شاروال کابل به زبان درباری دری مردم ما، مطالبی پیرامون شخصیت بزرگ سوکارنو ابراز نمود.

بعداً نوبت به سخن رانی داکتر سوکارنو رسید که با صدای بلند، گیرا و رسا فرمود: اسلام و علیکم، و چند ثانیه مکث نموده گفت: زمانیکه یک مسلمان با نفر مسلمان دیگر مواجه میشود و سلام میدهد، جانب مقابل در جواب میگوید: و علیکم السلام.

من به شما به حیث یک برادر مسلمان تان سلام دادم ولی جوابی از شما نشنیدم، متصل این گلابه سوکارنو غریبو صدای حاضرین برآمد که « و علیکم السلام»، و وجد و هیجان عجیبی در روحيات و عکس العمل مردم رونما گردید. داکتر سوکارنو که به زبان انگلیسی صحبت میکرد، گفت متأسفم که من با زبانی با شما صحبت میکنم که که نه زبان مردم من و نه زبان شماست.

موصوف به گفتار خود دوام داده فرمودند که: کابل 1700 متر از سطح بحر بلند است و وجودم احساس سردی میکند ولی قلبم گرم است از احساسات نیک شما.

بعداً فرمود که: شاروال شما گفت که من یک شخصیت بزرگ هستم، ولی سخن شاروال شما درست نیست، من بزرگ نیستم، بلکه ملت من بزرگ است، اگر ملت من نباشد، من هیچ چیز نیستم « حرفی که ما هرگز در دوره حیات خود از زبان سرداران و سروران کشور نشنیده بودیم-مومند »

سوکارنوی مرحوم در تمام خطابه خود از یک شعار به زبان اندونزی کار میگرفت و آن کلمه « مردیکا » بود که معنی « آزادی » را میداد و این کلمه در وقت و زمانش شهرت جهانی داشت و سوکارنو را مرد « مردیکا » نیز توصیف میکردند.

حضرت سوکارنو در اخیر صحبت خود از از حاضرین محفل خواهش نمود که یک کلمه را با او تکرار کنند و ایشان فرمودند: « مردیکا » و مجدداً غریبو مردم برخاست و گفتند « مردیکا ».

در همان وقت در کابل شایع شد که خطابه انقلابی داکتر سوکارنو به مزاج سرداران خوش نخورده بود، چنانکه شاغلی رشتیا به نحوی در زمینه اشاره نموده است.

متکی بر انتباهات یک عده شخصیت های سیاسی، مرحوم سوکارنو در طول حیات سیاسی خود مرتکب اشتباهات سیاسی نیز گردید.

در ساحه سیاست خارجی اخراج اندونزیا از سازمان ملل متحد و تلاش ناکام برای تأسیس موسسه مشابهی به همکاری دولت چین بود که منجر به تجرید اندونزیا از جامعه جهانی گردید.

در ساحه سیاست داخلی اتکاء به حزب کمونیست اندونزیا که بزرگترین حزب کمونست جهان در یک نظام دیمکراسی شمرده میشد و پلان تضعیف اردو بود.

متأسفانه سوکارنو موفق نگردید تا یک توازن معقولی را میان ناسیونالیست ها، اسلامیست ها، کمونست ها و اردو به میان آورد.

گسترده شدن تضاد عمیق میان قدرت حزب کمونست در چوکات دولت و دیگر عناصر متشکله دولت و جامعه، بحران بزرگی را بوجود آورد که در نتیجه کودتای جنرال سوهارتو که حمایت سی آی ای و حکومت اضلاع متحده را با خود داشت در روز اول کودتا یکصد هزار عضو حزب کمونست قتل عام گردید و در طول حکومت جنرال سوهارتو در حدود یک و نیم ملیون انسان جان خود را از دست دادند.

بعد از کودتا، مرحوم سوکارنو را، در منزلش تحت نظارت و تجرید مطلق قرار دادند .  
حضرت سوکارنو در سال 1970 به سن 69 سالگی در حالیکه نظر بند بود پروود حیات گفتند .  
مرقد سوکارنو زیاتگاه خاص و عام است .  
مطابق قول یک دوست اندونزیایی من مرحوم سوکارنو در بین ملت اندونزی همان مقام و منزلتی را داراست که  
غازی امان الله میان ملت افغان دارد ..  
باید خاطر نشان سازم که بعد از رحلت حضرت سوکارنو، من مضمونی را در مورد شخصیت آن منادی بزرگ آزادی  
تاریخ معاصر، به رشته تحریر آورده و آن را به جریده افغان ملت جهت نشر سپردم .  
جریده افغان ملت خلاف اخلاق مطبوعاتی یک نوشته مبتذلی را بدست نشر سپرد که نه عنوان آن از من بود و نه  
محتویات آن .  
قرار مسموع کدام مخبر، از محتویات همچو مضمون به سفارت دولت اندونیزی که رهبر آن قصاب بزرگ قرن  
جنرال سوهارتو بود، اطلاع داده و سفارت مذکور به هر ترتیبی که بود از نشر آن جلوگیری به عمل آورد .  
بعداً با کمال مایوسی به روزنامه کاروان مراجعه نمودم، مدیر روزنامه کاروان عبدالحق واله و صاحب امتیاز آن  
صبح الدین کشکی بود .  
قرار مسموع روزنامه کاروان از طرف عبدالمجید خان زابلی تمویل میگردید .  
عجیب اینکه، کشکی از مقام وزارت اطلاعات و کلتور مستعفی گردید، تا وظیفه امتیاز روزنامه کاروان را احراز  
نماید .  
بدبختانه روزنامه کاروان در مورد نشر مضمونم از روش ناپسندیده جریده افغان ملت کار گرفت که مرا خیلی مأیوس  
و عصبانی ساخت .  
فردای نشر مضمون بدفتر عبدالحق واله رفتم و با او به گفتگو و پرخاش پرداختم، سرانجام عبدالحق واله از کشکی  
تقاضا نمود که در زمینه، به قناعت من بپردازد، ولی کشکی نیز چون جواب معقول و قانع کننده ای نداشت، سر  
انجام واضح بمن گفت که ما مجبور نیستیم که مضمون ترا به شکلی که خودت نوشته ای، بدست نشر بسپاریم .  
سر انجام راه دفتر جریده وزین مساوات را در پیش گرفتم، از دفتر آن جریده به منزلم تلفون کردند که اگرچه  
میوندوال صاحب نیز در زمینه مضمونی تهیه کرده اند ولی شخص میوندوال صاحب ترجیح دادند که به مضمون  
داؤد مومند در قسمت نشر، حق اولیت قابل شویید .  
این خبر براریم نهایت سامعه نواز بود ولی بدبختانه آن شماره مساوات مصادره گردید و من غوره بدل ماندم .  
قابل تذکر میدانم که به تاسی از همچو کجروی های جریان افغان ملت بود که من و دوست بزرگوارم جناب محمد  
رسول خان پشتون، رهبر حرکت ویش زلمیان، با جریان افغان ملت معاً و در یک روز مقاطعه نمودیم .

په درناوی